

بررسی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷)

فرهاد فولادی^۱

محمد یوسفی جویباری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۳۰

۲۶۹



چکیده

روابط اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است. روابط دو جانبه میان آن‌ها در دولت احمدی نژاد به طور قابل توجهی کاهش یافت اما در دولت روحانی که با شعار اعتدال گرایی در سیاست خارجی بر سرکار آمد، تغییراتی در روابط اروپا و ایران به وجود آمد به گونه‌ای که پس از مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ و در سایه توافقنامه موسوم به برجام، روابط فی مابین بهبود یافت. طی این سال‌ها می‌توان گفت که مهم‌ترین تحولات جهت دهنده سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران، مسائل اساسی مانند پرونده هسته‌ای، مقابله با تروریسم، حقوق بشر و تسلیحات موشکی بوده است. مطالعه و بررسی عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر جمهوری اسلامی ایران از سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ در پرتو روابط دو جانبه از مهم‌ترین جنبه‌های پژوهش پیش رو می‌باشد. در این مقاله سعی خواهیم کرد با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و چارچوب نظری واقع‌گرایی نئوکلاسیک در روابط بین‌الملل و با استفاده از روش تحلیلی، چهارچوب سیاست خارجی اروپایی‌ها در دوران پسا برجام را مورد کندوکاو قرار دهیم.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی ایران، برجام، پرونده هسته‌ای، حقوق بشر،

تروریسم

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی،

تبریز، ایران

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،

ایران. * نویسنده مسئول: yousefijouybar@iaut.ac.ir

مقدمه

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران تحت تأثیر متغیرهای داخلی و عوامل خارجی از جمله نقش آمریکا قرار دارد. فضای تنش‌زای روابط اتحادیه اروپا و ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با طرح گفتگوهای انتقادی در دولت سازندگی و گشایش روابط دو جانبه و تنش زدایی در دوره اصلاحات، در دولت احمدی نژاد، کاهش چشمگیری یافت. طی این دوره، اتحادیه تلاش نمود تا پرونده هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶ م را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد. به منظور توقف فعالیت‌های هسته‌ای، اتحادیه اروپا در ۲۰۱۲ م تحریم‌های شدیدی علیه صنعت نفت، ترابری و بانک بیمه محموله‌های نفتی ایران به تصویب رساند. با روی کارآمدن حسن روحانی، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و تعامل سازنده و متقابل با جهان خارج در رأس سیاست داخلی و خارجی کشور قرار گرفت. سیاست خارجی فعال، واقع‌گرا؛ تأمین منافع ملی، اعتدال‌گرایی، تعامل سازنده و تنش زدایی، مبانی جدید سیاست خارجی دولت روحانی بود. واکنش اروپایی‌ها استقبال از این سیاست‌ها و امیدواری به آغاز دور جدیدی از مناسبات حسنه ایران و اروپا بود.

جایگاه منطقه‌ای ایران و اروپا در نظام بین‌الملل، ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه‌جانبه به وجود آورده است. اروپا به دنبال ایجاد نظامی چند جانبه‌گرا در جهان است و لذا جایگاه ژئواستراتژیکی ایران و نفوذ سیاسی و فرهنگی در منطقه و هم‌منظور انرژی، ایجاد‌کننده روابط مثبت طرفین می‌باشد. اهمیت اقتصادی ایران در دسترسی به بازارهای داخلی و تأمین انرژی اروپا، نقش آن در تأمین امنیت خلیج فارس، روند صلح خاورمیانه و نفوذ سیاسی در منطقه و ایفای نقش مهم در برقراری صلح و ثبات در افغانستان و عراق، نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مولفه‌هایی هستند که جایگاه ایران را نزد اتحادیه اروپا ارتقاء می‌دهند. پس از کش و قوس‌های فراوان، گفتگوی ایران و ۵+۱، به توافقنامه موسوم به برجام منتهی شد. در فضای پس‌برجام، روابط میان اروپا و ایران رو به‌بهبود یافت. اما رشد و بهبود مناسبات تنها به دیدارهای دو جانبه خلاصه شد و علیرغم اجرای کامل تعهدات توافقنامه برجام از سوی ج.آ.آ، اروپایی‌ها به تعهداتشان عمل نکردند و توافقنامه‌ای که امید می‌رفت تا با اجرای

آن از سوی اروپا، روابط میان آن‌ها بیش از پیش مستحکم شود با خروج یکطرفه آمریکا، اروپا نیز در عمل از پایبندی و اجرای تعهداتش سرباز زد تا چشم انداز روابط فی مابین در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، مهم‌ترین مسائل پیش روی سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در پرونده هسته‌ای ایران، مبارزه با تروریسم و حقوق بشر را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۱. چارچوب تئوریک: تکوین گرایی

والترز در «نظریه سیاست بین الملل» بر این است که این ساختار آنارشیک سیستم بین المللی است که رفتار واحدها را تعیین می‌کند و فشار ساختار آنارشیک سیستم بین المللی موجب می‌شود که دولت‌ها فارغ از ویژگی‌های درونی و یا هویتشان همگی رفتاری مشابه در سیاست بین الملل داشته باشند (Waltz, 1979). بر این اساس در واقع الزامات ساختاری و یا به عبارتی انگیزش بقا در آنارشی دولت‌ها را ناگزیر از تقوای قدرت به مثابه رفتاری یکسان می‌نماید. ونت با نقد نظریه ریالیسم ساختاری والترز این دیدگاه را ارائه کرده است که سیاست بین الملل واقعیتی است که به شکل اجتماعی ساخته و پرداخته شده است. ونت بین نیروهای مادی و نیروهای معنایی در حیات بین المللی تمایز قائل می‌شود و بر این باور است که هنگامی که بین نیروهای مادی و نیروهای معنایی تمیز قائل شویم می‌توانیم تبیین حیات اجتماعی را آغاز نماییم، ونت بر این است که جهان اجتماعی یک واقعیت است اما این واقعیت واقعی نیست و غیرمادیست و قابل شناخت است (ونت، ۱۳۸۴: ۲۲۱). بر این اساس ساختار آنارشیک سیستم بین المللی یک واقعیت مادی و لایتغیر نیست بلکه یک واقعیت معنایی است یا یک فرهنگ است که به مثابه یکی از سه فرهنگ هابزی، لاکبی و یا کانتی تکوین می‌یابد و هر کدام از فرهنگ‌های سه گانه آنارشی پیامدهایی متفاوت برای دولت‌ها در پی خواهد داشت. بنابراین ساختار آنارشی بیش از آنکه مادی باشد پدیده‌ای فرهنگی و معنایی است که بسته به غلبه هر کدام از فرهنگ‌های سه گانه، منطقی‌هایی متمایز خواهد داشت (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۵۱). در فرهنگ هابزی دولت‌ها دشمنان یکدیگر تصور می‌شوند، در



فرهنگ لاکه دولت‌ها برای یکدیگر به مثابه رقیب هستند و در فرهنگ کانتی نیز دولت‌ها برای یکدیگر به مثابه دوست هستند. با توجه به سه فرهنگ متفاوت از آنارشی سه منطبق متفاوت از آنارشی نیز وجود دارد.

ونت از سوئی نیز بر این است که دولت‌ها به مثابه مهم‌ترین بازیگران در سیاست بین‌الملل کنشگرانی عمیقاً اجتماعی هستند و منافع دولت‌ها نیز درون زاد است به این معنا که منافع دولت‌ها چیزی مسلم و از پیش داده شده نیست بلکه برآمده از معانی بین‌الذنهانی است و همانگونه که معانی بین‌الذنهانی تغییر می‌نمایند، ارجحیت‌ها و منافع دولت نیز تغییر می‌کنند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۹۶). ونت سعی در تبیین سیاست بین‌الملل دارد و آنگونه که اذعان می‌نماید این نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، تبیینی تکوین‌گرایانه از سیاست بین‌المللی است و برای درک سیاست خارجی دولت‌ها ارائه نشده است. اما پژوهشگران برای بررسی سیاست خارجی دولت‌ها، تکوین‌گرایی ونت را به کار بسته‌اند. بر این اساس هویت دولت‌ها چیزی است که در بستر تاریخی تکوین می‌یابد. هویت مهم‌ترین مؤلفه در تعیین سیاست خارجی دولت‌هاست. از دیدگاه وی، هویت خصوصیت و یا ویژگی ای است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند دارند و موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری می‌شود. به عبارتی هیوت یک ویژگی ذهنی در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگران از خود دارد و در چهارچوب جهانی خاص که به طور اجتماعی ساخته شده است، معنا پیدا می‌کند هویت کیستی دولت‌ها را تعریف می‌نماید و ارجحیت‌ها و منافع دولت‌ها را شکل می‌دهد، هویت دولت‌ها دستخوش تحول می‌شود و در پی آن رفتار بیرونی یا سیاست خارجی دولت‌ها نیز تغییر می‌نماید (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). از دیدگاه ونت، هر کدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل، نوعی هویت دارند که به رفتار آن‌ها در نظام بین‌المللی شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکانپذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته و عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). در این راستا، به نظر می‌رسد که نوع جهت‌گیری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران بخصوص در مسئله هسته‌ای و مبارزه با تروریسم، پیوند عمیقی با نوع ادراک و ارزش‌های این بازیگر و جمهوری اسلامی ایران دارد.

۲. سیاست خارجی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

تعامل با ایران را سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان در اتحادیه اروپا تعیین می‌کنند. آن‌ها در نگرش‌ها و سیاست‌های جهانی خود برنامه هسته‌ای ایران، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر و مسأله فلسطین و رژیم صهیونیستی را اولویت خود قرار می‌دهند و در ارتباط با ایران نیز بر اولویت این مسائل تمرکز دارند. الگوی مورد نظر آن‌ها در رابطه با ایران بر کل اتحادیه اروپا حکمفرما شده و کشورهای عضو نیز از آن حمایت می‌کنند.

۲-۱. برنامه هسته‌ای ایران

اتحادیه اروپا در موضوع پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران از نیمه سال ۲۰۰۳ مواضع سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ کرد و سیاست همسویی با آژانس بین‌المللی اتمی و آمریکا را در پیش گرفت و با چرخش به سمت آن‌ها، به یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری اجماع بین‌المللی بر ضد ایران تبدیل شد. مسأله هسته‌ای یکی از بهانه‌های عمده اروپا در طی این مدت برای کاهش سطح روابط با ایران بود. این مسأله که مورد تأیید گروه ۷ کشور بزرگ صنعتی دنیا بوده، شرایط را برای ایران دشوار ساخت و منجر به ایجاد فشار به ایران در جامعه جهانی شد. دولت نهم از همان آغاز فعالیت خود بر حفظ چرخه سوخت و رسیدن به توان هسته‌ای تأکید نمود و تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را شکست و به این ترتیب دیپلماسی فعال را در پیش گرفت. پس از بازگشایی تأسیسات UCF اصفهان و فک پلمپ آن، ایران اعلام کرد که حاضر نیست فعالیت فرآورده‌های اورانیوم در سایت اصفهان را متوقف نماید. با فشار سه کشور اروپایی و آمریکا، البرداعی در فوریه ۲۰۰۶ گزارش پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارسال کرد. ایران نیز در مقابل، تمام تعلیقات داوطلبانه خود را لغو و برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم، پلمپ تأسیسات نطنز را شکست. این مسأله باعث شد تا اروپایی‌ها به همراه آمریکا خواهان ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت شوند تا از طریق اهرم سیاسی، فشار و تحریم‌های مختلف شورای امنیت، ایران را وادار به عقب‌نشینی نمایند (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۳).



با ارجاع پرونده هسته‌ای در فوریه ۲۰۰۶ به شورای امنیت، گروه ۵+۱، سیاست دو گانه تشویق و تنبیه را در قبال ایران در پیش گرفتند. در این فضای حاکی از بی‌اعتمادی، پنج قطعنامه در شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب رسید. در پیش نویس و متن نهایی این قطعنامه‌ها انگلیس، فرانسه و آلمان نقش کلیدی داشتند. در این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شد تا کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه‌های آب سنگین خود را تعلیق کند و اقداماتی را جهت اعتمادسازی انجام دهد. در فوریه ۲۰۰۹، فرانسه، آلمان و انگلیس پیشنهاد اعمال تحریم‌های سنگین‌تر علیه ایران را مطرح کردند. با تلاش گسترده کشورهای اروپایی و آمریکا، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ با رأی مثبت، علیه برنامه هسته‌ای ایران به تصویب رسید (Farhang, 2013: 11-16).

در این میان، اتحادیه در کنار تحریم‌ها به مذاکره و گفتگو تمایل داشت و یک راه حل بینابین متکی بر تحریم‌های همه‌جانبه و گفتگو و فشار را در پیش گرفت. در این رویکرد یک تقسیم کار بین اروپا به وجود آمد که در آن گفتگو و تعامل از یک طرف و تحریم و مجازات‌های اقتصادی از طرف دیگر مشاهده می‌شود. این سیاست اروپا از نیمه سال ۲۰۰۸ در دستور کار قرار گرفت که در دو سطح عمده وجود داشت: یکی در چارچوب شورای امنیت سازمان ملل و دیگری در سطح اتحادیه اروپایی. تحریم‌ها به خصوص از سال ۲۰۱۰ روند پرشتایی گرفت. سران اتحادیه در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰ اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه ایران به توافق رسیدند. آن‌ها در بیانیه پایانی نشست بروکسل ضمن حمایت قاطع از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، اعلام کردند که تحریم‌هایی در بخش‌های اقتصادی و صنعتی اعمال می‌کنند. اروپا بر این باور بود که رفتار ایران را می‌توان با روش‌های مسالمت‌آمیز دگرگون کرد و نیازی به کاربرد زور نیست. آن‌ها خواهان حل و فصل تنش میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از راه گفتگو و به روش مسالمت‌آمیز بودند (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). به این نکته هم باید توجه داشت که نگرش‌های عدم اعتماد و خصمانه تا حدودی کشورهای اروپایی را

۱. گروه ۵+۱، شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین (اعضای دائم شورای امنیت) و آلمان می‌باشد.

به ایجاد موازنه نسبت به جمهوری اسلامی ایران متمایل ساخت تا جلوی تهدید آن را در آینده بگیرند.

۲-۱-۱. رویکرد تحریمی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

به دنبال تحریم شدید ایران در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ م اگر چه آلمان، ایتالیا و فرانسه که سرمایه گذاری‌های گسترده‌ای در نفت و گاز ایران کرده بودند، نگرانی‌هایی درباره تشدید تحریم‌ها و به خطر انداختن سرمایه گذاری‌های خود داشتند، اما در نهایت همه کشورهای عضو حمایت خود را از این بیانیه اعلام نمودند. بازگرداندن ایران به میز مذاکرات و جلوگیری از حمله نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای، دادن اطمینان به کشورهای عربی هم پیمان آمریکا مبنی بر مقابله با برنامه هسته‌ای، از اهداف این تحریم‌ها عنوان شد (Cordesman and etal, 2014: 7-8). قبل از تصویب بیانیه تحریمی ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰، وزرای خارجه اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۴ ژوئن در پی فشارهای انگلیس و فرانسه، طی نشستی در لوکزامبورگ، تحریم ایران را بررسی کرده و تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را پیشنهاد کردند. این تحریم‌ها در زمینه صنایع نفت و گاز، حمل و نقل، بیمه، بانکداری، انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات بود. کاترین اشتون، اعلام کرد این تحریم‌ها گامی مکمل و در حمایت از تحریم‌های سازمان ملل خواهند بود. او تأکید کرد که اتحادیه اروپا همچنان به رویکرد گفتگو و مذاکره با ایران، ادامه خواهد داد. تحریم‌های فوق متعاقباً در جلسه مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰ م شورای اتحادیه مورد تأکید قرار گرفت. این محدودیت‌ها با هدف متمایل کردن ایران به از سرگیری مذاکرات در چهارچوب گروه ۵+۱ توجیه شده بود (خالوزاده و افضلی، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۸).

آن‌ها همچنین اقدام به تصویب قانون تحریم تدریجی صنعت نفت ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کردند. بر اساس این قانون، اعضای اتحادیه نه تنها از واردات نفت ایران منع می‌شدند، بلکه شرکت‌های این کشورها از ترابری، خرید و بیمه محموله‌های نفتی ایران به هر مقصدی در جهان منع شدند. این تحریم‌ها صادرات فلزات به ایران و واردات گاز طبیعی از ایران را به هر شکلی منع می‌کرد. با اعمال تحریم‌های



جدید، تعداد نهادهای تحریم شده به رقم ۴۹۰ و تعداد کلی افراد مشمول این تحریم‌ها به ۱۰۵ نفر رسید. ورود اروپا به تحریم‌های ضد انسانی نشان دهنده تأثیرپذیری هر چه بیشتر از سیاست آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بود. «تحریم‌های جدید برای اروپایی که پیش از این تلاش می‌کرد محدودیت‌های اقتصادی خاصی را علیه برخی افراد و شرکت‌های مشخص اعمال کند، تغییر قابل توجهی در سیاست به شمار می‌رود. اروپا از آنجایی که تمایل ندارد مجازات دولت تهران تنبیه شدن شهروندان عادی ایران را در پی داشته باشد، در اعمال این قبیل تحریم‌های گسترده، کندتر از آمریکا حرکت کرده است. همزمان با اقدام اروپا در وضع قانون منع خرید نفت ایران از ژوئیه ۲۰۱۲ م، مجلس شورای اسلامی نیز در اقدامی پیش‌دستانه در بهمن ۱۳۹۰، طرح دو فوریتی را تصویب کرد که به موجب آن تا زمان پابرجا بودن قانون تحریم‌های نفتی، ایران از فروش نفت به اعضای این اتحادیه خودداری می‌کند (Wagner and Onderco, 2014: 718-720).

دولت‌های اروپایی، موضع یکسانی در مورد تحریم‌ها علیه ایران داشتند و تنها اختلاف آن‌ها میزان شدت و زمان اجرای بود. مواضع انگلستان مشابهت زیادی به مواضع فرانسه در زمان سارکوزی داشت و بارها با تشدید فشار علیه ایران از طریق اعمال تحریم‌ها حمایت کرد. این کشور در نوامبر ۲۰۱۰ تحریم‌های یکجانب‌های را علیه بانک مرکزی اعمال نمود. در این دوره، حمله به سفارت انگلستان، به خروج سریع پرسنل دیپلماتیک بریتانیا از تهران و اخراج دیپلمات‌های ایران از لندن منجر شد. آلمان نیز موافق اعمال تحریم‌ها و مواضعش بیش از گذشته تندتر شده بود. با پیروزی اول‌اند، سیاست خارجی آتلانتیک‌گرای فرانسه تغییر کرد. فرانسه مخالفتی با تأکید اعضای ۵+۱ در خصوص سیاست مسیر دوگانه نداشت. آنان معتقد بودند که دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای موجب افزایش نفوذ ایران در منطقه و کسب جایگاه هژمونیک منطقه‌ای خواهد شد که می‌تواند برای امنیت بین‌المللی خطرناک باشد. از این رو، خواستار مهار نفوذ ایران شد. آلمان‌ها از راهبرد سایر شرکای خود در تحریم اقتصادی و بانکی و به ویژه واردات نفت از ایران حمایت کردند. آن‌ها از سوی فرانسه و بریتانیا تشویق به گرفتن اقدام‌ها و تدابیر تنبیهی بر ضد ایران شدند (Onderco, 2015: 54-58).

لذا علیرغم حسن نیت ج.آ.آ در دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای، اتحادیه تحریم های سازمان ملل را به طور کامل اجرا و تدابیر جامعی را در جهت تکمیل آن‌ها اتخاذ نمود (نجات‌پور و یوسفی جویباری، ۱۳۹۴: ۵۷).

۲-۱-۲. اتحادیه اروپایی و پرونده هسته‌ای ایران در مسیر برجام

رویکرد ایران در پرونده هسته‌ای که با اعلام سیاست «نرمش قهرمانانه» رهبر معظم انقلاب، شروع شده بود با رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در اوت و سپتامبر ۲۰۱۳ ادامه یافت. پس از مذاکره مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا و سرانجام گفتگوی تلفنی دو رئیس‌جمهور ایران و آمریکا، فضای جدیدی در مذاکرات هسته‌ای شکل گرفت. در دور بعدی مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو در نوامبر ۲۰۱۳، وزیر امور خارجه ایران قبل از شروع مذاکرات با کاترین دیدار و گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو وزرای خارجه دو کشور ایران و آلمان با یکدیگر دیدار و درباره مسائل مورد علاقه طرفین گفتگو کردند. اما مذاکرات ژنو که پس از سه روز گفتگوهای سخت و فشرده و همراهی وزرای خارجه ۵+۱ همراه بود به نتیجه نرسید و مقرر شد طرفین ده روز دیگر مذاکرات را در ژنو از سر گیرند. ظریف پیش از شروع دور سوم گفتگوهای ایران و ۵+۱ در ژنو به دعوت رسمی وزیر امور خارجه ایتالیا به رم سفر و با وی دیدار و در خصوص مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کرد ((Entessar and Afrasiabi, 2015: 11-14).

در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱، ظریف در دیدار با وزیر امور خارجه سوئیس از تلاش‌های دولت سوئیس در برپایی مقدمات گفتگوهای ایران و ۵+۱ تشکر کرد. این فضای مثبت ایجاد شده نهایتاً در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ منجر به توافق ۶ ماهه ژنو شد. توافقی که اولین گام مؤثر برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران در ۱۰ سال گذشته به حساب می‌آمد ((Entessar and Afrasiabi, 2015: 78-79). مطابق این توافق مقرر شد که ایران توان غنی‌سازی خود را به ۵ درصد کاهش و تعداد سانتریفیوژهایش را افزایش ندهد و در مقابل ۵+۱ بخشی از تحریم‌های اعمال شده را لغو و برخی از دارایی و اموال بلوک شده ایران در بانک‌های خارجی را به این کشور مسترد سازد. بر اساس توافق ژنو

صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به اتحادیه اروپا آزاد شد. در ۲ مارس ۲۰۱۴، وزیر امور خارجه اسپانیا در تهران با ابراز خرسندی از روند به وجود آمده درباره گفتگوهای هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، آمادگی کشورش برای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تاکید قرار داد. در مارس ۲۰۱۴، کاترین اشتون با وزیر امور خارجه، رییس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد. سرانجام مذاکرات ایران و ۵+۱ در آگوست ۲۰۱۴ منجر به تمدید توافق موقت ژنو برای ۴ ماه دیگر تا ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ شد. در ژانویه ۲۰۱۵، مذاکرات طرفین پس از یک تمدید مجدد ۷ ماهه برای رسیدن به توافق نهایی و جامع کماکان ادامه یافت ((Adebahr, 2017: 37-44).

از طرف دیگر، سیاست دولت روحانی تعامل میان سیاست‌های اقتصادی و دیپلماسی هسته‌ای با وعده چرخیدن همزمان چرخ سانتریفوژها و زندگی مردم بود و متناسب با همین شعار، سیاست خود را تعدیل سیاست هسته‌ای و کاهش هزینه‌های ناشی از آن معرفی کرد. وی برخلاف سیاست خارجی دولت احمدی نژاد، در پی به حاشیه راندن اولویت موضوع هسته‌ای و حل مسالمت‌آمیز آن با غرب بود. روحانی بر پایه شعار اعتدال، گفتمان سیاست خارجی خود را آرمان گرایی همراه با واقع گرایی معرفی کرد که راهی میانه بین سازش و ستیزش با غرب بر سر موضوعاتی چون مسأله هسته‌ای بود (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

۲-۲. سیاست‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال دولت‌های نهم و دهم

در نوع رویکرد اتحادیه اروپا در مسائل حقوق بشر در قبال جمهوری اسلامی ایران دو دیدگاه اصلی مطرح است. دیدگاه نخست اعتقاد دارد منافع اقتصادی و سیاسی در سیاست‌های اتحادیه محوریت دارد و مسأله حقوق بشر حاشیه‌ای است. در این دیدگاه، حقوق بشر برای غرب، مسأله‌ای حاشیه‌ای بوده و همواره منافع سیاسی و اقتصادی بر آن ترجیح داشته است. استراو در این زمینه بیان می‌کند که چگونه فرانسه، آلمان و ایتالیا در طول گفتگوهای انتقادی منافع اقتصادی خود را ترجیح دادند و نتوانستند به پیمان خود در زمینه حقوق بشر نسبت به ایران وفادار بمانند. او علت اصلی ناموفق بودن گفتگوهای

انتقادی را همین مسأله می‌داند. لذا سیاست گفتگوهای انتقادی و مسأله حقوق بشر باعث رکود فوق العاده روابط تجاری اروپا و ایران نشد، زیرا منافع اقتصادی آلمان، فرانسه و اروپا اهمیت بیشتری از حقوق بشر داشته و اتحادیه با وضع تحریم‌های تجاری به استثنای مواردی که به صراحت توسط سازمان ملل وضع و حمایت شده، مخالفت کرده است (Posch, 2010: 37-41). از طرف دیگر، پس از آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱ و کنترل منابع نفت خیز جنوب خلیج فارس به دست آمریکا، سیاست اروپائیان با هدف تضمین دسترسی بلندمدت بر نفت به سرمایه گذاری در صنایع نفت ایران معطوف گردید سودهای کلان و باور نکردنی دست یافتند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۵۰).

دیدگاه دوم معتقد است، حقوق بشر در سیاست‌های اتحادیه محوریت دارد. این دیدگاه به اعلامیه ۱۹۹۱ اتحادیه و همچنین به قطعنامه حقوق بشر، دموکراسی و توسعه ۱۹۹۱ استناد می‌ورزد. در قطعنامه مذکور آمده است: «جامعه (اقتصادی اروپا)، صراحتاً رعایت حقوق بشر را به عنوان بخشی از روابطشان با کشورهای در حال توسعه معرفی می‌کنند (Resolution, 7). موضوعات مطرح شده توسط اتحادیه کلی است و اختصاص به ایران ندارد که عبارت‌اند از: «ارتقای حقوق بشر در سیاست اتحادیه اروپایی، احترام به حقوق بشر در روابط با جهان سوم، وابستگی همکاری‌های اقتصادی و کمک‌های مالی به رعایت حقوق بشر و ارتقای حقوق بشر در راستای کمک به امنیت بین‌الملل و افزایش همکاری‌های اقتصادی» (Resolution, 7). (Sabet-Saeidi, 2011: 121-122).

صدور قطعنامه شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای و موضوع خبرنگار ایرانی تبعه کشور کانادا نوع تعامل ایران و اتحادیه در سال ۱۳۸۳ و ضرورت تبعیت از سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، اتحادیه را به اولویت دادن همراهی با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران واداشت. با این که تا پیش از آن دو طرف در حال مذاکره در خصوص سند همکاری‌های تجاری و اقتصادی به موازات سند سیاسی بودند که می‌بایست منجر به امضای موافقت‌نامه‌ای در این زمینه می‌شد، لیکن با طرح پرونده هسته‌ای، اتحادیه مذاکرات درباره این اسناد را به حال تعلیق درآورد و آخرین مذاکرات در ۲۶ می ۲۰۰۵ در حالی برگزار شد که اروپا با در پیش گرفتن سیاست حمایتی از ایالات

۱. زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی و تبعه کشور کانادا بود.

متحده در قبال ایران راه را برای گسترش روابط با ایران بست (-Gaietta, 2016: 153-160).

مقامات اروپایی علاوه بر مسأله هسته‌ای، حقوق بشر، وضعیت داخلی ایران و صلح اعراب و اسرائیل را از جمله موانع گسترش روابط با ایران ذکر کردند و موضع تنیدی اتخاذ نمودند. اتحادیه در این سال‌ها به این نتیجه رسیده بود که باید سیاست بانی‌گری در سازمان ملل را تغییر داده و از ظرفیت اتحادیه در این مسأله بهره‌گیری نماید. از سوی دیگر، به دنبال دولتی می‌گشت که با به دوش کشیدن هزینه‌های بانی‌گری در سازمان ملل، از این اهرم فشار نیز بهره‌برداری کند. موضوع خبرنگار ایرانی تبعه کانادا این فرصت را فراهم ساخت. کانادا فعالیت برای تصویب قطعنامه علیه ایران در سازمان ملل را برعهده گرفت و اروپا هم از فرصت پیش آمده بهره‌برداری کرد. هم زمان اروپا و ایران در حال انجام گفتگوهای حقوق بشری بودند و ایران اساساً بر این مبنا در این گفتگوها شرکت می‌جست که اتحادیه طراح قطعنامه علیه ایران نشود. اتحادیه در سال نخست اعلام داشت که وارد قطعنامه علیه ایران نمی‌شود و در تصمیم‌گیری قطعنامه علیه ایران نیز به عنوان اتحادیه وارد نمی‌شود اما کشورهای عضو مستقلاً قادر به اتخاذ موضوع می‌باشند. لذا کانادا و اعضای اتحادیه نیز هر کدام به صورت جداگانه به آن رأی مثبت دادند. علیرغم اتخاذ این موضع از سوی اتحادیه، دور چهارم گفتگوهای حقوق بشری با ایران ادامه یافت. در این دوره که مقارن با ریاست فرانسه بر اتحادیه بود حدود ۱۶ قطعنامه حقوق بشری علیه ایران صادر شد. آن‌ها پس از قطع گفتگوهای سازنده در سال ۲۰۰۴، گفتگویی در مورد حقوق بشر نداشتند (Posch, 2010: 42-43). در این مدت، اروپا به صدور قطعنامه و بیانیه علیه ایران ادامه داده و در همان حال نیز تمایل خود برای از سرگیری گفتگوهای حقوق بشری را اعلام نمود. این تمایل در گزارش سال ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م پارلمان اروپایی در خصوص وضعیت حقوق بشر در جهان ذکر شده و همزمان در این مدت، هشت قطعنامه علیه وضعیت حقوق بشر در ایران صادر شد. ایران نیز با استفاده از ظرفیت همراهی کشورهای همفکر در سازمان‌های بین‌المللی، رویکرد غرب نسبت به موضوع حقوق بشر را به چالش کشانده، با اتخاذ

سیاست‌هایی آنان را از پیگیری حقوق بشر و استفاده ابزاری از آن منصرف نموده، یا حداقل، هزینه آن را برای ایشان زیادتر کند (Schumacher, 2015: 132-133).

اتحادیه در بیانیه‌های متعدد از ایران خواسته به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر، شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در آن عضویت دارد، پایبند باشد. شورای اتحادیه اروپا، محدودیت‌هایی (مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا) برای تعدادی از اشخاص که مسئول تخلفات جدی حقوق بشری در ایران شناخته می‌شدند، اقدام نمود. این اقدامات بخشی از خط‌مشی دو سویه اروپا را تشکیل می‌دهند که شامل محکوم ساختن تخلفات حقوق بشری و نیز کسب فرصت‌های ممکن تعامل در زمینه حقوق بشر است. اتحادیه در سطح چند جانبه ضمن حمایت از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در زمینه وضعیت حقوق بشر در ایران که هر ساله اعمال می‌گردد، به صدور قطعنامه‌ای در شانزدهمین نشست شورای حقوق بشر در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ م اقدام نموده است (Sabet-Saeidi, 2011: 122-123). آن‌ها گزارش سالیانه درباره حقوق بشر منتشر می‌کنند که حاوی چشم‌انداز و ارزیابی اقدامات اتحادیه در زمینه حقوق بشر، بالاخص در ایران است. دامن زدن اروپا به اسلام‌هراسی، تبعیض نسبت به مسلمانان، استفاده ابزاری از آزادی بیان، مجازات‌های کیفری و تلاش مفرط برای بی‌عیب نشان دادن خود، از جمله انتقاداتی است که کارشناسان حقوق بشری ایران در مقابل حملات چندین دهه اروپا به نظام حقوق بشری کشورمان و در مقابل، چشم بر هم نهادن بر حوزه‌هایی که پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در ایران داشته، ابراز می‌دارند (Katzman, 2017:13-14). در کش و قوس اتهامات حقوق بشری دو جانبه میان ایران و اتحادیه اروپا، محمود احمدی نژاد در سخنرانی کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل علیه نژادپرستی (موسوم به دوربان ۲) آوریل ۲۰۰۹ م در مقر سازمان ملل در ژنو، رژیم صهیونیستی را رژیم نژادپرست دانست که باعث تیره شدن روابط با اروپاییان شد. وی رژیم صهیونیستی را «پرچم دار نژادپرستی» و «بی‌رحم‌ترین و نژادپرست‌ترین رژیم» دانست، از آن لحاظ که «یک ملت را به بهانه قربانی شدن یهودیان از سرزمین محروم کرد. اتخاذ چنین رویکردی، در مقاطعی فضای تعامل و گفتگو را مسدود نمود. گشایش در این بن بست نیازمند تعامل و گفتگو جهت ارتقاء درک و برداشت دوجانبه بود. اروپایی‌ها، در



موضوع حقوق بشر ایران کمتر دارای سیاست منسجم و بدون رخنه بوده‌اند و در میان اعضای آن، کشورهایی وجود داشته‌اند که اولویت روابط دو جانبه خود با ایران را به مسائل حقوق بشری نداده، آن را در بستری متفاوت و با حفظ احترام دوجانبه مطرح نموده‌اند (گلشن پژوه، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸). هرچند اغلب همکاری با آمریکا مدنظر آن‌ها بوده است.

به نظر می‌رسد که اتخاذ یک رویکرد چند وجهی و هم‌زمان «آسیب‌شناسی نقاط ضعف اجرایی و قضایی در حوزه حقوق بشر و تلاش برای رفع آن، در کنار تداوم گفتگو و تعامل حقوق بشری با اتحادیه اروپا»، رویکردی منتج به نتیجه خواهد بود. نگاهی به سرفصل‌های گفتگوهای سابق ایران و اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر نشان می‌دهد اگر اروپائیان در گفتگوهای خود به آزادی بیان، منع اعمال شکنجه و مجازات اعدام، حاکمیت قانون، منع تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها و همکاری با سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشری می‌پردازند، در مقابل، ایران، نیز از آنان خواستار توضیح در حوزه‌های نژادپرستی و تبعیض نژادی، اسلام‌ستیزی، اعمال تبعیض نسبت به آسیایی و آفریقایی تبارها، رعایت حقوق مهاجرین و پناهندگان، وضعیت اقلیت‌ها و همچنین حق توسعه و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است.

۲-۳. مسئله تروریسم و چالش‌ها در روابط اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران
موضوع‌گیری‌ها و سیاست‌های ایران در قبال رژیم صهیونیستی، تضاد جدی با سیاست اتحادیه اروپا در خاورمیانه دارد که تاکنون بارها مورد اعتراض سران این اتحادیه قرار گرفته است. در بیانیه پایانی اجلاس سران اتحادیه در دسامبر ۲۰۰۵ از ایران خواسته شده تا «به صلح خاورمیانه میان رژیم اسرائیل و دیگر همسایگانش کمک کند، از گروه‌های مخالف اسرائیل حمایت نکند و نقش مثبتی را در روند صلح خاورمیانه ایفا کند» (یاری، ۱۳۸۰: ۷۸). سخنگوی اتحادیه در ژوئن سال ۲۰۰۳ چنین اظهار داشت که «نمی‌توانید بگوئید که کل حماس سازمان تروریستی است و قطعاً این امر نیز دیدگاه ما نیست». پس از قرارداد حماس در فهرست گروه‌های تروریستی، اتحادیه عنوان کرد که راه برای بازگشت حماس از طریق تبدیل شدن به یک حزب سیاسی همچنان باز است.

اما پیروزی حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶ میلادی به یک معضل عمده برای اروپا بدل شد. آن‌ها همواره بر دموکراسی و حق تعیین سرنوشت تأکید می‌کردند. بزرگ‌ترین حامی دولت فلسطینی بودند اما با به قدرت رسیدن گروهی در انتخابات دموکراتیک مواجه شدند که آن را تروریستی می‌دانستند. از این رو اتحادیه سه شرط برای تداوم رابطه با دولت فلسطین اعلام کرد «اول دوری حماس از خشونت، دوم شناسایی حق حیات اسرائیل و سوم احترام به توافقاتی که در روند صلح» (Fioramonti, 2012: 111-115).

اروپا مانند آمریکا معتقد است که هرگونه اقدام فلسطینی‌ها که به کشته و زخمی شدن غیرنظامیان اسرائیلی بینجامد، اقدام تروریستی است. در حالی که ایران، ماهیت اقدامات مبارزان فلسطین را تدافعی می‌داند و این مبارزات در چارچوب اصل دفاع از خود و نیز به منشور آزادسازی سرزمین فلسطین از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد. ایران آنچه را که غربی‌ها تروریسم از سوی مردم فلسطین و لبنان می‌خوانند، بخشی از مقاومت مشروع مردم در مقابل اشغالگری رژیم صهیونیستی می‌داند. ایران، حزب‌الله لبنان را یک حزب قانونی در سیستم سیاسی لبنان می‌داند، که در مقابل اشغالگری مبارزه می‌کند و اعتقاد دارد گروه‌های فلسطینی بخشی انکارناپذیر از واقعیت صحنه فلسطین هستند. از جمله اتهاماتی که اروپا وارد کرده متهم کردن ایران به همکاری برای ترور سفیر عربستان در آمریکا بود، که در این زمینه ۵ نفر از اتباع ایرانی را مورد تحریم قرار داد. حمایت ج.آ.آ از گروه‌های مقاومت و جهادی فلسطینی و لبنانی، علیه منافع رژیم صهیونیستی است و اتحادیه چنین حمایتی را حمایت از تروریسم تلقی می‌کند. با چنین نگاهی، هرگونه اقدام علیه منافع و اتباع رژیم صهیونیستی، به نحوی در چهارچوب اتهام «حمایت ج.آ.آ از تروریسم» تلقی می‌شود. چنین اختلاف نظرهایی موجب شده که علی‌رغم این موضع که «ج.آ.آ هیچ‌گاه تهدیدی برای دیگر کشورها نبوده است» مورد قبول و باور اتحادیه اروپا قرار نگیرد ((Juneau, 2013: 34-37). استفاده اتحادیه از کارت گروهک منافقین در بازی پیچیده‌اش با ایران، یک نوع مقابله به مثل است. حذف نام منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه، برای ایران تهدیدآمیز است. تروریسم بیش از آن که اختلافی برخاسته از متن روابط ایران و اروپا باشد، تحت تأثیر روابط ایران و آمریکا و اهمیت رژیم صهیونیستی برای غرب قرار دارد.

۲-۴. روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در عصر پسابرجام

دولت یازدهم پس از برجام، مسیر حل مشکلات اقتصادی و احیای منزلت بین‌المللی را در دستور کار قرار داد. حل پرونده هسته‌ای و شکل‌گیری فضای پسابرجام، شرایطی را به وجود آورد تا ایران و اتحادیه اروپا بر اساس نیازهای متقابل و جدید خود یکبار در جهت احیای روابط گام بردارند. حجم بسیار بالای سفرهای مقامات دو طرف و سفر رئیس‌جمهوری ایران به ایتالیا و فرانسه پس از توافق برجام و اجرایی شدن آن، حاکی از ضرورت و جدیت طرفین برای جبران هر چه سریع‌تر گذشته است. روابط دو جانبه، بحران سوریه و منطقه خاورمیانه، همکاری پسابرجام و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی، سرفصل‌های مشترک تمام سفرهای مقامات اروپایی به ایران بوده است. محورهای کلان این مذاکرات را می‌توان به دو حوزه اقتصادی و سیاسی - دیپلماتیک تقسیم نمود.

۲-۴-۱. روابط اقتصادی

برجام توانست تا حدودی فضای تنشی را که میان ایران و کشورهای اروپایی به وجود آمده بود را بهبود ببخشد هر چند که در ادامه با بی‌اعتنایی اروپاییان مواجه شد. این توافق می‌توانست مسیر مناسبات طرفین را دگرگون سازد و آن را وارد یک روند رو به رشد طبیعی هدایت نماید. پائولو جنتیلونی وزیر خارجه ایتالیا گفته بود «بی تردید روابط ما در دوره تحریم آسیب دیده و متحمل ضرر شده، اما این توافق حاصل شده به اعتقاد ما توافقی بسیار مثبت است و فرصت احیای مناسبات را به ما می‌دهد» (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵). برخی بر این باورند که بازار ایران برای سال‌های متممادی بکر باقی مانده و این بازار ۸۰ میلیونی برای شرکت‌های اروپایی بسیار جذاب است. اصولاً در شرایط دشوار اقتصادی و بیکاری مزمن در اروپا، فراهم نمودن شرایطی که بتواند به اقتصاد نابسامان این کشورها کمک کند بسیار مهم و درخور اهمیت است (خالوزاده، ۱۳۹۴: ۳۹). ایران، دارای زیرساخت‌های قدرتمند در بعضی از صنایع خودروسازی است که در منطقه خاورمیانه کم و بیش بی‌نظیر است. ایران می‌تواند برای اروپا تبدیل به یک قطب منطقه‌ای، جهت تولید محصولات مشترک و صادرات آن‌ها در منطقه شود.

البته روابط با اتحادیه اروپا دارای بار سنگین مواجهه با دخالت آن‌ها در مسائل داخلی نیز هست. حقوق بشر، دخالت انسان دوستانه، حقوق اقلیت‌ها، سیستم قضاوت، مجازات و ... نکاتی است که کمیسیون، شورا و پارلمان اروپا، بدان‌ها توجه داشته و بیشتر کشورها از رهگذر روابط خود با اروپا به نوعی مورد انتقاد و یا غضب این نهادها قرار گرفته‌اند. به نظر برخی، آنچه که نقش اساسی را در سیاست خارجی برای این کشورها بازی می‌کند منافع ملی آن‌هاست و موضوع حقوق بشر در اولویت اول آن‌ها نیست (Rieffer-Flanagan, 2013: 12-16). سفر آقای روحانی به دو کشور فرانسه و ایتالیا در اوایل بهمن ماه ۱۳۹۴ را می‌توان آغازگر افق روشن روابط ایران با اروپا قلمداد کرد. در سفر فرانسه، بیست سند همکاری بین ایران و فرانسه بالغ بر ۳۰ میلیارد یورو در حوزه انرژی، صنایع خودروسازی، خرید ۱۱۸ فروند ایرباس، توسعه و نوسازی امور فرودگاهی، کشتیرانی و توسعه پایانه‌های بندری و محیط زیست به امضاء رسید. در سفر ایتالیا نیز، قراردادهای مختلفی به ارزش ۱۸ میلیارد یورو بین هر دو طرف امضاء شد (قامت و پورقوشچی، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۶۸).

اروپایی‌ها با استقبال از توافقنامه برجام و گشایش فضای روابط فی مابین می‌خواستند نشان دهند که ایران چه جایگاهی در روابط خارجی اتحادیه اروپا خواهد داشت. مناسبات آن‌ها همواره در دو حوزه سیاسی و اقتصادی - تجاری، پررنگ‌تر و از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. مبادلات تجاری ایران و اروپا در چهار ماهه نخست سال ۲۰۱۵ میلادی، ۹ درصد افزایش یافته و به ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون یورو رسیده است. ارزش تجارت دو طرف در چهار ماه نخست سال ۲۰۱۴ بیش از ۲,۲ میلیارد یورو اعلام شده بود. در دوره ۱۲ ماهه سال ۲۰۱۴ نیز مبادلات دو طرف ۲۰ درصد رشد را تجربه کرد. این در حالی است که مبادلات ایران و کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۳ با افت ۴۷ درصدی نسبت به سال قبل از آن روبرو شده بود (Erlanger, 2018: 62-67).

همکاری‌های ایران و اتحادیه در حالی قرار بود بیشتر شود که بر اساس گزارش‌های منشر شده، واردات اروپا از ایران در ۴ ماهه نخست سال ۲۰۱۷ با رشد حدود ۵ برابری نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شد و به ۴۱۳/۳ میلیارد یورو رسید. مبادلات دو

طرف از ۸۸۷/۲ میلیارد یورو در ۴ ماهه نخست ۲۰۱۶ به ۵۵۷/۶ میلیارد یورو در ۴ ماهه نخست سال رسید. صادرات اتحادیه اروپا به ایران در ماه‌های ژانویه تا آوریل ۲۰۱۷ با رشد ۴۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شد و به ۳/۱۴۴ میلیارد یورو رسید. در ۴ ماهه نخست ۲۰۱۶ صادرات اتحادیه به ایران ۲/۱۷ میلیارد یورو اعلام شد. بعد از برجام و لغو تحریم‌های نفتی، واردات اتحادیه از ایران رشد زیادی داشته است. بیشترین کشوری که در اتحادیه از ایران واردات داشته، ایتالیا است. ایتالیا در سه ماهه نخست سال قبل ۱۲۱ میلیون یورو کالا از ایران وارد کرده بود که این رقم با از سرگیری خرید نفت ایران در ۴ ماهه نخست ۲۰۱۷ بالغ بر ۸/۲ برابر شده و به یک میلیارد یورو رسیده است ((Vaez, 2018: 1-2).

ایتالیا مهم‌ترین خریدار اروپایی برای محصولات ایرانی بود. در نیمه اول سال ۲۰۱۶، صادرات ایران به این کشور ۲۶۱ میلیون و ۵۱۷ هزار دلار بوده؛ این در حالی است که در مدت مشابه سال قبل آن یعنی ۲۰۱۵، صادرات ایران به این کشور ۲۲۶ میلیون دلار بود. صادرات به این کشور طی این مدت ۱۵/۷۶ درصد رشد داشته است. همچنین در شش ماه اول سال ۲۰۱۶، اسپانیا با خرید ۱۴۹ میلیون دلاری کالای ایرانی در رتبه دوم کشورهای هدف اتحادیه قرار گرفت. در حالی که این میزان در مدت مشابه ۲۰۱۵ به ارزش ۱۱۷ میلیون و ۶۴۲ هزار دلار بوده است. سومین کشور در اتحادیه که بیشترین واردات را از ایران داشته، آلمان است. طی این مدت، روابط تجاری ایران و اتحادیه رو به بهبود گذاشت. مهم‌ترین محورهای مذاکرات انجام شده میان رئیس کل گمرک ایران با مدیر کل گمرک و مالیات اتحادیه نحوه تبادل الکترونیکی اطلاعات، فعالان اقتصادی مجاز، آموزش و پژوهش، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تخلفات گمرکی بود (Erlanger, 2018: 67-69).

۲-۴-۲. روابط سیاسی و امنیتی

شورای روابط خارجی اروپایی در جولای ۲۰۱۵، در گزارشی با عنوان «تعامل با ایران: یک دستور کار اروپایی»، ضمن پیشنهاد «تعامل سطح بالا» میان اروپا و ایران در مورد

1. European council on foreign relations
2. high- level engagement

اهداف امنیت منطقه‌ای، عنوان می‌کند: «توافق جامع به تصمیم گیران، آزادی از حصار نگاه هسته‌ای - محور به ایران و پرننگ نمودن حوزه‌هایی که در آن اروپا می‌تواند از تعامل با ایران منتفع شود، به ویژه در مورد امنیت منطقه را می‌دهد. برای ایجاد همکاری بیشتر در جهت ایجاد نظم منطقه‌ای، اروپا باید از قرار گرفتن طرف درگیری‌ها در منطقه فاصله بگیرد و با در نظر گرفتن گزینه تعامل فعال با ایران، هر جایی که امنیت بهتر تأمین می‌شود، حداکثر انعطاف پذیری را در انتخاب خط مشی‌های خود داشته باشد». سند راهبردی «استراتژی اتحادیه اروپا در قبال ایران پس از برجام» که توسط کمیته امور خارجی پارلمان اروپا تهیه شده و جهت راهبردی این اتحادیه در قبال ایران، بعد از توافق هسته‌ای را تعیین می‌کند، برجام را مبنای گفتگوهای سیاسی بین ایران و اتحادیه قرار می‌دهد. این سند، سفر فدریکا موگرینی به ایران در ۱۶ آوریل ۲۰۱۶ را نیز در چارچوب ایجاد پیوندهای محکم اقتصادی و تجاری با ایران و دسترسی به بازارهای داخلی این کشور ارزیابی می‌کند. در نقشه راه پارلمان اروپا برای روابط آینده اتحادیه با ایران، تصمیم شورای اروپا برای برداشتن تحریم‌ها در پی توافق برجام، به عنوان عاملی در جهت شراکت دوباره ایران و اروپا ذکر شده است (Colleau, 2017: 18-21).

اروپا همواره ایران را به عنوان یک شریک اقتصادی نگرسته که به صورت رسمی از سوی سران اروپا، به ویژه آلمان، انگلیس و فرانسه دنبال شده است. نتیجه عملی این نگاه آن بوده که در همه این سال‌ها، اروپایی‌ها در بحران‌ها و منازعات منطقه از افغانستان گرفته تا عراق و فلسطین، هیچ وزن و نقشی برای طرف ایرانی قائل نمی‌شدند. دستور کار آن‌ها هنگام ورود به این بحران‌ها به جای دعوت از ایران، نوعی اعمال فشار برای دور نگه داشتن تهران از نقش آفرینی در این بحران‌ها بوده؛ همان چیزی که دیپلمات‌های اروپایی تحت عنوان سیاست فشار و مهار از آن یاد می‌کردند یا آنکه ظرف چند دهه گذشته، این جایگاه را سخاوتمندانه در اختیار رقبای منطقه‌ای به ویژه ترکیه، مصر یا عربستان قرار می‌دادند. توافق وین، آشکارا خط بطلان بر این نگاه حذفی اروپا نسبت به ایران کشید. رهبران اروپا، نقش و جایگاه سیاسی ایران، در صحنه منطقه را به رسمیت شناخته‌اند. چرا که آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حذف بازیگر قدرتمندی مانند ایران از معدلات منطقه‌ای امکان پذیر نیست. توافق وین بخشی از نگرانی‌ها و

موانع ذهنی اروپایی‌ها در همکاری با ایران را از پیش روی برداشت و آن، ترس از فشار آمریکا و رژیم صهیونیستی بود. پس از تحولات برجام، رژیم صهیونیستی عملاً به انزوا گرایید (میرباقری، ۱۳۹۴: ۶). سیاست خارجی مشترک اروپا در خاورمیانه بر چند اصل کلی منافع اقتصادی، امنیتی و جلوگیری از یکجانبه گرایی آمریکایی‌ها استوار است. یکی از مهم‌ترین این منافع، حوزه امنیت است. هم ایران و هم اروپا در مورد مناطقی از جهان، نگرانی‌های مشترکی دارند. برخی معتقدند که در دوران پس از توافق، طرفین نباید فقط روابط دو جانبه را مورد ملاحظه قرار دهند، بلکه امنیت منطقه را هم باید مد نظر قرار دهد (Stanzel, 2016: 8-9).

از دیگر موضوعات مهم مورد همکاری می‌توان به بحث مبارزه تروریسم اشاره کرد. ظهور گروه تروریستی داعش در منطقه، تا مدتی تنها معضلی برای منطقه غرب آسیا به شمار می‌آمد، اما با گسترش درگیری‌ها در سوریه و کشیده شدن بحران پناهندگان به اروپا و همچنین عملیات تروریستی در چندین پایتخت اروپایی از جمله پاریس، زنگ خطر برای اتحادیه اروپا نیز به صدا درآمد. از اظهارنظرهای مقامات غربی روشن است که حل بحران‌های منطقه‌ای بدون مشارکت ایران امری محال است. از همین رو کشورهای اروپایی به دنبال همکاری با ایران در این حوزه هستند. فصل مشترک همکاری‌های سیاسی و امنیتی با ایران از مقابله با گسترش و نفوذ افراط‌گرایی است. نگاه دولت روحانی هم در این زمینه مبتنی بر تحقق امنیت برای همه بازیگران است (Schumacher, 2015: 45-47).

ایران برای برقراری توازن در مقابل آمریکا، به اروپا گرایش نشان داده که این امر از آغاز مورد توجه سیاست خارجی ج.ا.آ قرار گرفته، اما از طرف دیگر، انتظار بیش از اندازه از اروپا در زمینه چالش با آمریکا، واقع بینانه نیست. واقعیت آن است که اگر اروپا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم توانست به فکر ایجاد اتحادیه اروپا باشد، این اتفاق در نتیجه فضای مناسب امنیتی است که آمریکا برای اروپائیان فراهم آورده است؛ به همین جهت، اروپا تا سرحد تقابل با آمریکا پیش نخواهد رفت، بلکه در مقاطعی، رفتار اروپا نشان دهنده نیابت آن‌ها از جانب آمریکاست؛ دخالت اروپا در چین، قفقاز،

دره فراغته و صلح خاورمیانه به نیابت و یا به معاونت از آمریکا انجام شده است (Erlanger, 2018: 1-2).

البته باید به این نکته توجه داشت که امروزه با وضعیت و شرایطی که به وجود آمده، آینده این روابط در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در سایه توافقنامه برجام، امید می‌رفت تا با اجرای آن از سوی کشورهای اروپایی، روابط اتحادیه و ایران بیش از پیش مستحکم شود اما با خروج ایالات متحده آمریکا از آن، کشورهای اروپایی نیز در عمل از پایبندی و اجرای تعهداتشان در قبال ج.آ.آ سرباز زدند و یکی از رشته‌های محکمی را که می‌رفت روابط فی مابین را ثبات ببخشد، به حالت متزلزلی درآمده است. به نظر می‌آید اروپائیان نمی‌خواهند، گامی محکم و اطمینان بخش در جهت عملی شدن تعهدات برجامی خود بردارند، که در نتیجه به یکی از تاریخی‌ترین فرصت‌ها برای بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی دو جانبه آسیب جدی وارد می‌شود.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سالهای گذشته نسبت به جمهوری اسلامی ایران فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است، چرا که اساساً تصمیم‌گیری سیاست خارجی اروپا متضمن فرایندی پیچیده و با اعمال نفوذ کشورهای عضو و برخی نهادهای فراملی نظیر کمیسیون و پارلمان اروپایی صورت گرفت. از رو تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا در قبال ایران تحت تأثیر ملاحظات خاصی قرار داشته است. برای مثال، در ارتباط با سیاست خارجی اروپا در قبال ایران، مواضع کشورهای آتلانتیک‌گرای عضو اتحادیه مانند انگلستان، هلند و برخی کشورهای شمالی اتحادیه و مواضع برخی کشورهای عضو اتحادیه که نسبت به مسأله حقوق بشر به شدت حساس هستند، مؤثر بوده است. همچنین نقش پارلمان اروپایی به دلیل تلاش گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری بر این نهاد اروپایی، بر سیاست خارجی اتحادیه در قبال ایران تأثیرگذار بوده است. در این راستا یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روابط دو طرف، نقش افکار عمومی در شکل دهی سیاست خارجی اروپا می‌باشد. چرا که به دلایلی از جمله نفوذ عناصر اپوزیسیون ایرانی در اروپا و تبلیغات رسانه‌های غربی علیه ایران، موجب



شده است تا نه تنها در اروپا بلکه در اکثر مناطق جهان، تصویر غیرواقعی از ایران ارائه شود. در این ارتباط از جمله عوامل مؤثر تأثیرگذاری بر سیاست خارجی اروپا در قبال ایران، برخورد دوگانه اتحادیه می‌باشد. چرا که با توجه به این که ارتباط نزدیکی میان ملاحظات امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی با اروپا وجود دارد و با توجه به روابط راهبردی رژیم صهیونیستی با آمریکا از یک سو و مناسبات استراتژیک اروپا و آمریکا به نظر می‌رسد علت تأثیرگذار، اعمال فشار آمریکا بر اتحادیه باشد، چرا که تعهدات فرآتلانتیکی دو طرفه (اروپا و آمریکا) مانع از تصمیم‌گیری مستقل اتحادیه در قبال ایران در مورد مسائلی چون پرونده هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم و روند مذاکرات صلح خاورمیانه به ویژه نقشه راه می‌شوند. چنانچه دو بانک سرمایه‌گذار فرانسوی و آلمانی نیز که قرار بود پروژه‌های ایران را تأمین کنند اعلام انصراف نموده و اعتبارات خود را پس گرفتند. در مجموع می‌توان روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۱۳ میلادی و روی کارآمدن دولت یازدهم را وضعیت بی‌ثباتی دانست. در دوره احمدی‌نژاد عواملی مانند رویکرد صلح‌آمیز هسته‌ای و خواستار تغییر ساختار نظام بین‌الملل سبب کاهش روابط ایران با اتحادیه اروپا و در دوره روحانی عواملی مانند برجام باعث بهبود روابط دو طرف شد. البته هر چند برجام، تهدید هسته‌ای را از سپهر امنیتی خاورمیانه حذف کرد، ولی در سالهای اخیر، نگرانی از هژمونی منطقه‌ای ایران جایگزین تهدید هسته‌ای شده است و ایران هیچ تعهدی که ملزم به تغییر راهبرد منطقه‌ای خود شود را نپذیرفته است، ولی تلاش اروپایی‌ها این است که اجرای برجام را به تحولات منطقه خاورمیانه گره بزنند. امری که به بهانه آن کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخلاف تعهدات برجام، از اقداماتی که می‌بایست طی فضای پس‌برجام انجام دهند، سرباز زدند. به نظر می‌رسد اروپا به پیشران مهمی برای استمرار برجام از منظر تصمیم‌سازان ایران بدل شده است. در این چارچوب، برخی ترتیبات نهادی برای افزایش انگیزه‌های ایران برای ادامه حضور در برجام، از سیاست‌های اروپا پس از توقف مشارکت آمریکا در برجام بوده است. با این وجود، مواجهه اروپا با برخی تعیینات ساختاری از جمله افزایش فراوان درهم‌تندگی تجاری، پولی و اقتصادی اروپا و آمریکا در سال‌های اخیر، موجبات محدود شدن دامنه تأثیرگذاری کنش‌های نهادی اتحادیه اروپا

در دفاع از برجام شده است؛ مساله‌ای که نمود آن تصمیم خروج برخی از شرکت‌های اروپایی از ایران پس از اعلام توقف مشارکت آمریکا در برجام بوده است. اروپا نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا در فضای پس‌برجام، نقش مستقلی ایفا کند. کارشکنی آمریکا و اتحادیه اروپا در اجرای کامل تعهدات برجام، بقای این توافقنامه را با تهدید روبرو ساخته است. با توجه به اینکه تقریباً یکسال از خروج ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۷ از برجام می‌گذرد، به تدریج کاسه صبر جمهوری اسلامی ایران نیز لبریز شده و علیرغم تأیید ۱۴ مرتبه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با اعلام بیانیه شورای عالی امنیت ملی ایران در اردیبهشت ۱۳۹۸، اجرای بخشی از تعهدات هسته‌ای خود را در چهارچوب توافقنامه برجام کاهش داده و با تعیین ضرب‌الاجل دو ماهه برای اتحادیه اروپا، اندک اندک روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح خود کاهش یابد و مراحل کاهش تعهدات در حال انجام است.

وعده ایجاد سازوکار مالی توسط اروپایی‌ها، اصلی‌ترین دلیلی است که ایران را تاکنون در برجام باقی نگه‌داشته است. علیرغم آنکه از سوی مقامات اروپایی عنوان شده بود که بخش‌هایی از این سازوکار ویژه مالی تا قبل از دور دوم تحریم‌های آمریکا (۱۴ آبان) اجرایی خواهد شد، اما در عمل، هیچ تحولی در این خصوص صورت نپذیرفت و بخشی از سازوکار مالی که قرار بود پیش از فرارسیدن دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اجرا شود، اکنون اعلام شده است که درگیر و دار پیدا کردن محل استقرارش، در یکی از کشورهای اروپایی است. ایجاد سازوکار مالی، به‌عنوان یک فرصت برای استقلال مالی و سیاسی اروپا و احیای اعتبار آن است و اروپایی‌ها با تبیین سازوکار مالی، به دنبال راهی برای کنار زدن و استقلال خود از سیستم اقتصادی آمریکا هستند، از این فرصتی که به موجب موافقت ایران، برایشان ایجاد شده است، ضمن آنکه ایران را ترغیب به ماندن در برجام و حفظ توافقنامه نمودند، بلکه فرصتی را برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نوعی ابراز حاکمیت سیاسی - اقتصادی خود در برابر آمریکا نیز به دست آوردند، اما نکته‌ای که اروپایی‌ها باید بدانند این است که فرصت ایران به آن‌ها، تاریخ منقضی دارد، لذا تا فرصت را از دست نداده‌اند، لازم است که حسن نیت خود را نشان دهند و از تعلل بیش

از این مقدار، دست کشیده و سازوکار مالی را اجرایی نمایند. گرچه برخی از منابع اروپایی اعلام کرده‌اند که احتمالاً اجرایی شدن این مکانیسم به ماه‌های نخست سال ۲۰۱۹ موکول خواهد شد.

منابع

- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، سال اول، شماره اول
- بصیری، محمدعلی و قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵)، «مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، صص ۲۲۶ - ۲۲۵.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، «روابط ایران و اتحادیه اروپایی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، **مجله اطاعات سیاسی - اقتصادی**، صص ۱۹۸ - ۱۹۷.
- خالوزاده، سعید و افضلی، توحید (۱۳۹۰)، **رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال اروپا**، **کتاب اروپا (۱۰)**، گردآوری و تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۰)، **اتحادیه اروپایی**، تهران: انتشارات سمت.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، **بررسی سیاست خارجی دولت نهم**، تداوم در عین تغییر، **همشهری دیپلماتیک**.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی عطایی (۱۳۹۳)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۷، شماره ۱
- سلطانی‌نژاد، احمد، شاپوری، مهدی (۱۳۹۵)، «رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال هشتم، شماره اول، بهار
- قامت، جعفر و پورقوشچی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «پیامدهای توافق هسته‌ای بر روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز

گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۰)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین: بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی، حدود و امکانات، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت. نجات‌پور، مجید؛ یوسفی جویباری، محمد و آذرگون، عبدالله (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم»، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۵

نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۴)، «روابط ایران و اتحادیه اروپا در دور پس‌ابرجام»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۴۷

وزارت امور خارجه (۱۳۹۴)، بررسی سیر تحولات روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: اداره غرب اروپا.

ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

یاری، بهروز (۱۳۸۰)، اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران؛ چالش حقوق بشر، کتاب اروپا، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.

Adebahr, C. (2017), *Europe and Iran: The Nuclear Deal and Beyond*, Abingdon, Routledge.

Colleau M. (2017), *The Kaleidoscope of Iran's Foreign Policy in the Context of Profound Regional Upheavals*, in: *Reassessing Order and Disorder in the Middle East: Regional Imbalance or Disintegration?*, ed. R. Mason, Rowman & Littlefield, Lanham.

Cordesman A. H., Gold B., Coughlin-Schulte C. (2014), *Iran – Sanctions, Energy, Arms Control, and Regime Change*, Center for Strategic & International Studies, Washington D.C

Entessar N., Afrasiabi K. L. (2015), *Iran Nuclear Negotiations: Accord and Détente Since the Geneva Agreement of 2013*, Rowman & Littlefield, Lanham.

- Entessar N., Afrasiabi K. L. (2015), *Iran Nuclear Negotiations: Accord and Détente Since the Geneva Agreement of 2013*, Rowman & Littlefield, Lanham.
- Erlanger S. (2018), *Europe Resists Trump's Call for Tougher Measures on Iran*, "The New York Times", 3.01.
- Farhang. R. (2013) "Why Alone?", in T. Juneau and S. Razavi (Eds.), *Iranian Foreign Policy since 2001: Alone in the World*, Abingdon, Routledge.
- Fioramonti L. (2012), *Promoting Human Rights and Democracy: A New Paradigm for the European Union*, in: *The European Union and the Arab Spring: Promoting Democracy and Human Rights in the Middle East*, ed. J. Peters, Lexington Books, Lanham.
- Gaietta, M. (2015) *The Trajectory of Iranian Nuclear Program*, New York.
- Juneau T. (2013), *Iran: rising but unsustainable power, unfulfilled potential*, in: *Iran Foreign Policy since 2001: Alone in the world*, eds. T. Juneau, S. Razavi, Routledge, New York.
- Katzman K. (2017), *Iran's Foreign and Defense Policies*, U.S. Congressional Research Service, R44017.
- Onderco, M. (2015) *Money can't buy you love: the European Union member states and Iranian nuclear programme 2002–2009*, "European Security", 24 (1).
- Posch W. (2010), *Iran and the European Union*, in: *The Iran Primer: Power, Politics, and U.S. Policy*, ed. R. Wright, United States Institute of Peace Press, Washington D.C.
- Rieffer-Flanagan B. A. (2013), *Evolving Iran: An Introduction to Politics and Problems in the Islamic Republic*, Georgetown University Press, Washington D.C.
- Sabet-Saeidi S. (2011), *Iranian-European Relations: A Strategic Partnership?*, in: *Iran's Foreign Policy: From Khatami to Ahmadinejad*, eds. A. Ehteshami, M. Zweiri, Ithaca Press, Reading.
- Schumacher T. (2015), *The European Union and Democracy Promotion: Readjusting to the Arab Spring*, in: *Routledge Handbook of the Arab Spring: Rethinking Democratization*, ed. L. Sadiki, Routledge, New York.
- Schumacher T. (2015), *The European Union and Democracy Promotion: Readjusting to the Arab Spring*, in: *Routledge Handbook of the Arab Spring: Rethinking Democratization*, ed. L. Sadiki, Routledge, New York.
- Stanzel A. (2016), *Eternally Displaced: Afghanistan's Refugee Crisis and What It Means for Europe*, European Council on Foreign Relations, Policy Brief ECFR 170, May.
- Wagner, W. Onderco, M. (2014) *Accommodation or Confrontation? Explaining Differences in Policies Toward Iran*, "International Studies Quarterly", 58(4), p. 717–728.